

چالش‌های ترجمه رمان لیل علی بابا الحزین نوشته عبد الخالد الركابی در سه سطح لغوی، نحوی و اصطلاحی

مرضیه علوی^۱

چکیده

ترجمه هر متن به دلیل تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی بین زبان مقصد و مبدأ همواره چالش‌هایی را پیش روی مترجم قرار می‌دهد. در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی دشواری‌ها و پیچیدگی‌های ترجمه رمان لیل علی بابا الحزین از منظر کاربردی مورد بررسی قرار گرفته است و راه‌های برون رفت از این چالش‌ها نیز ذکر شده است. از جمله چالش‌های پیش روی مترجم می‌توان به چالش‌های لغوی، نحوی، اصطلاحی و گفتمانی اشاره کرد و راهکارهای ارائه شده نیز شامل توجه به تفاوت ساختاری دو زبان، حذف و اضافه، تغییر شکل دستوری واژگان یا تغییر مقوله، شکستن جملات طولانی، بسط و قبض نحوی، ارائه روش‌هایی برای معادل یابی برخی تعابیر و اصطلاحات و ذکر معنای ثانوی فعل، می‌باشد.

واژگان کلیدی: عبد الخالق الركابی، لیل علی بابا الحزین، چالش‌های

ترجمه.

۱. مقدمه

ترجمه، داد و ستد اندیشه و سخن میان زبان‌هاست و یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین دستاوردهای انسان و پلی برای برقراری ارتباط در میان مردم، ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در گوشه و کنار جهان است. در واقع، ترجمه زبان مشترک بین انسان‌هاست که توانایی ارتباط گسترده‌تر و خارج از محدوده به آنان می‌بخشد و باعث شناخته شدن و به بلوغ رسیدن بسیاری از هنرها، تمدن‌ها و علوم می‌شود.

^۱ دانش پژوه کارشناسی ارشد مترجمی عربی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، افغانستان.

درخشان‌ترین بخش ادبیات ملت‌ها ادبیات پایداری و مقاومت است و از مهمترین سنگرهای فرهنگی ملت‌های تحت سلطه به شمار می‌رود و به نوعی واکنشی به حاکمیت استبداد است. این نوع ادبیات ابتدا بین شعراء و نویسندگان عرب معمول شد و باعث پیدایش آثاری غنی و فاخر در این زبان شده است؛ از جمله این آثار ارزشمند، رمان لیل علی بابا الحزین اثرنویسنده توانای عراقی عبد الخالد الرکابی است. این رمان در سال ۲۰۱۳ موفق به کسب جایزه بوکر عربی شد که از مهمترین و معتبرترین جوایز ادبی دنیای عرب است. نویسنده در این رمان به توصیف رویدادهای بغداد در دوران اشغال آمریکا و درگیری‌های فرقه‌ای می‌پردازد و زوایای پنهان و ناگشوده آن را برای خوانندگان آشکار می‌سازد.

برای آشنایی و برقراری ارتباط با این آثار فاخر نیاز به ترجمه آنهاست و از آنجا که هر مترجمی در مسیر ترجمه با مشکلات و سختی‌هایی روبه‌رو خواهد شد، در پژوهش حاضر ابتدا بخش‌هایی از این رمان به صورت گزینشی ترجمه شده است، سپس مشکلاتی که مترجم در مسیر ترجمه با آن مواجه بوده و نیز راهکارهایی که برای حل این مشکلات به کار بسته است، در چهار سطح لغوی نحوی اصطلاحی و گفتمانی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد رمان لیل علی بابا الحزین پژوهش‌هایی صورت گرفته که بیشتر مربوط به تحلیل و بررسی داستان است. از جمله مقاله‌ای از ناطق خلوصی با عنوان «تعدد المحاور السردية و سطوة المكان فی رواية لیل علی بابا الحزین» منتشر شده در سال ۲۰۱۴ که به بررسی عنصر مکان و گفتگوهای پی‌درپی در رمان می‌پردازد و مقاله «بررسی تحلیلی زاویه دید در رمان‌های پارسی پورو الرکابی با تکیه بر رمان سگ و زمستان بلند و لیل علی بابا الحزین»، نوشته دکتر عباس داوی یوسف (۲۰۱۹) که در آن عنصر زاویه دید مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین مقاله‌ای از اسامه غانم (۲۰۱۷) با عنوان «تقنیات السرد و تنوع المرویات فی رواية لیل علی بابا الحزین» که در آن به بیان تکنیک‌های داستان‌پردازی به کار رفته در رمان و تنوع روایات آن پرداخته شده است. مقاله حاضر از این نظر دارای نوآوری است؛ زیرا در مورد ترجمه این رمان تاکنون کاری صورت نگرفته است.

در مورد بررسی و تحلیل و چالش‌های ترجمه نیز پژوهش‌هایی وجود دارد که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

- مقاله چالش‌های مترجم (نمونه پژوهش ترجمه یک متن سیاسی-رسانه‌ای از عربی به فارسی) نوشته یدالله ملایری (۱۳۹۳) که در آن جامعه آماری ۳۵ نفری دانشجویان در برگرداندن یک جمله سیاسی-رسانه‌ای عربی مورد بررسی قرار گرفتند و پژوهشگر، پنج چالش بنیادین شامل نگسستن از زبان یک، کم‌گویی یا پرگویی، برگردان واژه‌به‌واژه، سوگیری و نا‌آشنایی با درون مایه متن را که با آن مواجه می‌شود را می‌توان نام برد. در آخر پیشنهاد می‌دهد که مترجم فریب به هم ریختگی ظاهری واژه‌ها را نخورد و پیام را بی‌کم و کاست برساند؛ سوگیرانه و خود سانسورانه ترجمه نکند و درون مایه و پیام متن مبدأ را خوب دریابد، سپس به کار ترجمه بپردازد.

- واکاوی چالش‌های ترجمه ادبی: بررسی تحلیلی نوع متن، اجزای متن و چالش خواننده نوشته علی گنجیان خناری (۱۳۹۷). در این پژوهش نویسنده به ویژگی متن ادبی و چالش‌های پیش‌رو در ترجمه متون ادبی می‌پردازد و مشخص می‌کند که هر مترجم ادبی با سه چالش کلی و بنیادین روبه‌روست که عبارتند از: چالش نوع متن، چالش خواننده و چالش اجزای متن و چالش اجزای متن را به چالش الفاظ، چالش اصطلاحات و تعابیر اصطلاحی، چالش ساختار جمله و... تقسیم می‌کند و مختصری به راه‌های برون‌رفت از آنها اشاره می‌کند و راهکارهایی را نیز ارائه می‌دهد که عبارتند از: گردآوری همه معانی در چارچوب بافت‌های متعدد، مراجعه به پژوهش‌های جدید در حوزه اصطلاحات و توسعه بخشی مفهوم ضمنی.

- تعدیل و تغییر در ترجمه چالش‌ها و راهکارها با تکیه بر کتاب ترجمه و آدواتها نوشته منصوره زرکوب و عاطفه صدیقی (۱۳۹۲). در این پژوهش نویسنده محترم چالش‌هایی را که در روند ترجمه کتاب ترجمه و آدواتها با آنها روبه‌رو شده است به همراه راهکارهایی برای بهتر و روان شده ترجمه آورده است. از مهمترین این راهکارها می‌توان به توجه مترجم نسبت به تفاوت‌های ساختاری زبانها و ارزش نقش ارتباطی واژگان و عبارت‌ها اشاره کرد و مهمترین تغییراتی که مترجم برای روان‌سازی ترجمه به کار برده است، حذف و اضافه، تغییر شکل دستوری واژگان، شکستن جملات پیچیده و بلند یا حتی ارائه چند واژه و یک عبارت به جای یک واژه و برعکس، می‌باشد.

- چالش‌های بافت فرهنگی در ترجمه ادبی از عربی به فارسی با تمرکز بر گلستان سعدی و الروضه الورد نوشته فرشید ترکاشوند و نجمه قائمی. در این پژوهش نویسنده به تحلیل واژگان گفتمان‌مدار در گلستان سعدی و ترجمه عربی آن از محمد الفراتی پرداخته است و واژگانی را که در گلستان سعدی در شکل‌گیری معنا و هویت معنایی نقش کلیدی دارند را برمی‌شمارد و دریافته است که این کلمات با توجه به بافت و گفتمان فرهنگی گلستان سعدی به نوعی نقش القاکننده معانی عمیق برخاسته از فرهنگ فردی سعدی است و نباید بر مغنای لغوی و ظاهری آنها بسنده کرد.

۳. روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

در این پژوهش که با روش تحلیلی-توصیفی انجام شد، ابتدا صفحات ۷ تا ۳۲ و ۵۷ تا ۸۲ رمان لیل علی بابا الحزین توسط پژوهشگر ترجمه شد، سپس مشکلات ترجمه آن در سطوح لغوی، نحوی، اصطلاحی و گفتمانی مورد بررسی قرار گرفت.

۳-۱. سطح لغوی

گاهی یک کلمه به‌تنهایی معنایی دارد، اما اگر این کلمه در جمله قرار بگیرد به خاطر همنشینی با دیگر کلمات معنای جدیدی به دست می‌آورد که نباید از آن غافل شد؛ مترجم باید با در نظر داشتن نقش ارتباطی بین عناصر زبانی به‌گزینش معادل مناسب بپردازد.

- جرار (الركابي، ۲۰۱۳، ص ۷) در همه لغتنامه‌ها به‌معنای تراکتور بود، ولی از آنجا که با فضای متن سازگار نبود با جستجو در اینترنت و دیدن تصویر بنای تاریخی کهرمانه که از کوزه ساخته شده بود، معنای دقیق آن به دست آمد.

- بنظره متأمره: (الركابي، ۲۰۱۳، ص ۷) متأمره در فرهنگ لغت به‌معنای کسی که دنبال دسیسه کردن و نقشه کشیدن است، ترجمه شده که واژه «مرموزانه» معادل مناسبی برای آن بود.

- طبیبه الامر: طبیبه به‌معنای پزشک و الامر به‌معنای کار؛ که برای پیدا کردن معنایی که از ترکیب این دو واژه به‌دست می‌آید، جستجوی زیادی صورت گرفت، ولی نکته قابل توجهی به‌دست نیامد؛ با توجه به سیاق واژه، پزشک متخصص و کارشناس با آن سازگار بود و در نهایت پزشک متخصص برگزیده شد.

- بلازمته التقليديه: «لازمه» به معنای واژه‌هایی که در میان کلام تکرار می‌شود و «تقلیدیه» به معنای قدیمی و سنتی بود از ترکیب معنای این دو واژه و با توجه به فضای داستان عبارت «تکیه کلام» که برای آن مناسب بود انتخاب شد.

- السمئیات: (الركابی، ۲۰۱۳، ص ۸) لغتنامه‌ها معنایی قابل قبولی برای این واژه ارائه نداده‌اند در نتیجه با جستجوی این کلمه در گوگل و دیدن تصاویر بالگرد معنای اصلی آن به دست آمد.

- «کنت کالمسرنم» (الركابی، ۲۰۱۳، ص ۹): مسرنم به کسی می‌گویند که در خواب راه می‌رود که واژه مناسبی برای جایگزینی آن به ذهن نویسنده نرسید و با جستجوی عبارت «کسی که در خواب راه می‌رود»، عبارت مناسب «خواب گرد» برای آن انتخاب شد.

- «اجابنی متممة» (الركابی، ۲۰۱۳، ص ۱۰) متممه به معنای زیر لب و من من کنان چیزی را گفتن است؛ که در این بخش از رمان با واژه دست پاچگی که به خوبی شرم و استرس حاکم بر فضای گفتگو را منتقل می‌کند، معادل سازی شد: «با دست پاچگی جواب داد...».

- «ما سبب التحامل الطبیبه علی» (الركابی، ۲۰۱۳، ص ۱۰) در عربی حرفی وجود دارد که هرگاه با برخی افعال (یا شبه فعل) همراه می‌شوند، معنای آن را عوض می‌کند (معروف، ۱۳۹۲، ص ۲۳۷) و باید در برگرداندن آنها دقت کرد. «تحامل» به معنای با سختی تحمل کردن است، ولی وقتی با حرف جر «علی» همراه شد به معنای بد رفتاری کردن است: «دلیل بد رفتاری خانم دکتر با من چی بود».

- «فتأملنی ریاض بنظرة طویلہ» با توجه به فضای داستان در این جا منظور از «بنظرة طویلہ» نگاهی طولانی از سر حقارت است که در فارسی معادل مناسبی برای آن وجود دارد که این مفهوم را به خوبی منتقل می‌کند و آن عبارت «نگاه سنگین» است: «ریاض نگاه سنگینی به من انداخت».

- «عدت الکتب من ضمن الکمالیات التی لا ضرورة لاستیرادها» در لغتنامه کمالیات مترادف با اشیاء تزئینی، لوکس و غیر ضروری است و معادل کالای غیر ضروری برای آن انتخاب شد: «کتاب جزء کالای غیر ضروری به شمار می‌رفت که نیازی به وارد کردنش نبود».

- «فقد آن له استثمار صلاته الوثيقه بمدير المخابرات...» ترکیب صلاته الوثيقه به معنای ارتباط محکم است، ولی در چنین مواردی فارسی زبانان از معادل «ارتباط نزدیک» استفاده می‌کنند: «وقتش رسیده که از ارتباط نزدیکش با مدیر اطلاعات استفاده کند...».

- «یرتدی خلیطاً عجیباً متنافراً من ملابس اقتناها من أسواق البالات...». با جستجوی لغت‌نامه‌ها معنایی برای واژه «البالات» پیدا نشد؛ با جستجوی این ترکیب در گوگل با تصاویری از لباس‌هایی روبرو می‌شویم که روی هم انباشته شده و زیر یکی از این تصاویر این عبارت نوشته شده است: «ملابس الفقراء بين الأسعار الواطئة و انتشار الأمراض»؛ با دیدن این عبارت متوجه می‌شویم منظور از آن بازارهایی است که در آن لباس‌های کهنه و به اصطلاحی تاناکورا فروخته می‌شود، بنابراین ترکیب بازار کهنه فروش‌ها را به عنوان معادلی برای آن انتخاب کردیم: «ترکیب عجیب و متناقض از لباس‌هایی را می‌پوشید که از بازار کهنه فروش‌ها تهیه کرده بود».

۳-۲. سطح نحوی

۳-۲-۱. تغییر مقوله

به معنای تغییر نقش دستوری کلمات مطابق با هنجارهای دستوری زبان مقصد است؛ گاهی لازم است مترجم برای انتقال بهتر معنا نقش دستوری کلمات را تغییر دهد بی‌آنکه محتوای کلام تغییر پیدا کند. برای مثال اسم را به فعل و فعل را به اسم یا قید ترجمه کند. (مهدی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۵۲) در ادامه به تغییراتی از این دست اشاره می‌شود که مترجم در ترجمه رمان علی بابا الحزین با آن مواجه شده است.

- «مغادرین تلک الجرار» (الركابي، ۲۰۱۳، ص ۷) که در این عبارت تغییر مقوله اسم فاعل به مصدر صورت گرفته است و به این صورت ترجمه شد: «در حال ترک کردن این کوزه‌ها هستند».

- «مقنعا نفسی» (الركابي، ۲۰۱۳، ص ۸؛ در این عبارت نیز تغییر مقوله اسم فاعل به جمله صورت گرفت و با این عبارت ترجمه شد: «در حالی که خودم را متقاعد می‌کردم».

- «فمنذ فشله فی الانتخابات البرلمانية السابقة» (الركابي، ۲۰۱۳، ص ۱۱)؛ برای ترجمه این عبارت مقوله مصدر «فشل» به جمله تغییر داده شد: «از وقتی در انتخابات گذشته مجلس شکست خورده است».

- «هو يتهبها لترشيح نفسه لدوره القادمه بادئا ذلك» که اسم فاعل بادئا به فعل «آغاز کرده است» ترجمه شد.

- «يتوجب على» (الركابي، ۲۰۱۳، ص ۱۱)؛ در این عبارت ساختار فعل به اسم تغییر یافت و «باید» ترجمه شد. همانطور که مشاهده شد نمی‌توان مقوله دستوری برخی واژگان را عینا به زبان مقصد منتقل کرد، بلکه باید شکل دستوری دیگری به آن داد.

- «المهم هو أنك ستسلم إدارة المتحف بعد موتی الوشيك»؛ همانطور که مشاهده می‌شود «وشیک» در این عبارت صفت موت است و معنای آن «مرگ نزدیکم» است و ترجمه آن قبل از تغییر به این صورت بوده است: «مهم این است که تو بعد از مرگ نزدیکم اداره موزه را به دست خواهی گرفت»، ولی به منظور منطقی کردن عبارت، صفت را به قید زمان تبدیل شد و واژه به زودی جایگزین آن شد: «مهم این است که تو به زودی بعد از مرگم اداره موزه را به دست خواهی گرفت».

۳-۲-۲. بسط نحوی و افزودن کلمات توضیحی

گاهی مترجم برای ایجاد صراحت و وضوح بیشتر وادار به افزایش می‌شود، برای مثال برای ایجاد شرایط مناسب برای درک بهتر خواننده عباراتی را به منظور توضیح سخن نویسنده به متن می‌افزاید یا از ابزارهای ارتباط بین جمله‌ها استفاده می‌کند. (ناظمیان، ۱۳۹۸، ص ۴۴) گاهی نیز برای ترجمه کلمه‌ای در زبان مقصد واژه مناسبی نبود که بتوان معادل آن قرار داد و مترجم مجبور است برای ترجمه آن از دو یا چند واژه یا یک جمله استفاده کند (سعیدان، ۱۳۸۷، ص ۳۰).

- «اصم السمع عن هديرالسمتيات الامريكيه» (الركابي، ۲۰۱۳، ص ۸)؛ بسط نحوی به این صورت که فعل «سعی می‌کردم» از جمله قبل به عاریت گرفته شد تا عبارت روانتر شود که به این صورت ترجمه شد: «سعی می‌کردم به صدای غرش بالگردهای آمریکایی توجهی نکنم».

- «فاض بی الکیل» (الركابي، ۲۰۱۳، ص ۶۹)؛ ترجمه واژه به واژه این اصطلاح «پیمان‌نامه پر شد» است و برای بیان تمام شدن صبر به کار می‌رود؛ برای اینکه ترجمه روانی از آن در زبان مقصد صورت گیرد، مترجم ناچار است یک مضاف الیه به آن اضافه کند و به این شکل معادل‌سازی شود: «کاسه صبرم لبریز شد».

۳-۲-۳. قبض نحوی

ایجاز متن تأثیر زیادی در روان‌سازی آن دارد؛ طبیعی است که هرچه واژه‌های یک جمله کمتر باشد مخاطب آن را بهتر و سریعتر درک می‌کند و زمان کمتری برای فهم آن جمله می‌گذارد (ناظمیان، ۱۳۹۸، ۱۴۸) در حالی که جمله‌های طولانی باعث ابهام و نارسایی می‌شود.

گاهی مترجم با شرایطی مواجه می‌شود که باید بخشی از متن را حذف کند. ممکن است بخش حذف شده شامل یک واژه یا یک عبارت یا جمله باشد؛ این در صورتی موجه است که مترجم احساس کند این موارد غیر ضروری و تکراری و خسته‌کننده است و باید توجه داشت در ترجمه خوب، موارد حذف بسیار محدود است و مترجم جز در موارد ضروری اقدام به حذف نمی‌کند؛ زیرا یکی از عیوب ترجمه حذف‌های بی‌مورد است (زرکوب، ۱۳۹۲، ص ۴۶)

- «بالتنصل من اقحام نفسه فی امر علی هذه الشاکله من التقیید» (الرکابی، ۲۰۱۳، ص ۱۱). عبارت «امر علی هذه الشاکله من التقیید» با قبض نحوی به صورت «چنین موضوعات پیچیده‌ای» ترجمه شد که اگر این کار صورت نمی‌گرفت، مترجم با ترجمه‌ای نامانوس روبرو می‌شد: «موضوعی به این شکل از پیچیدگی».

- «یتوجب علی» به معنای بر من واجب است، که در آن قبض نحوی صورت گرفت و «باید» ترجمه شد.
- «لم تستطع السلطة بسط سیطرته‌ها علیها بعد» که در عبارت «بسط سیطرته‌ها علیها بعد» قبض نحوی صورت گرفت و به صورت یک کلمه در آمد و آن کلمه «کنترل» است: «نیروی حاکم بعد از اینکه نتوانسته بود کنترل خیابان‌های فرعی را در دست بگیرد...».

- «سأجعلک تندم علی تهورک فی الکلام» (الرکابی، ۲۰۱۳، ص ۷۰)؛ تهور در کلام به معنای جسارت در آن است که اگر بخواهیم به متن مبدأ وفادار باشیم باید به این صورت ترجمه کنیم: «کاری می‌کنم که از جسارتت در کلام پشیمان بشی»؛ می‌بینیم که ترجمه روانی نیست، اما اگر کلمه جسارت حذف شود ترجمه روانتری صورت خواهد گرفت و به معنا نیز آسیبی نمی‌رسد؛ زیرا همنشینی حرف و پشیمانی معنای جسارت را می‌رساند و تکرار دوباره آن باعث اطناب می‌شود: «کاری می‌کنم که از حرفت پشیمون بشی».

- «وقد امتقع وجهها و انحسر الدم عنه!» (الرکابی، ۲۰۱۳، ص ۷۰)؛ «امتقع وجهها» یعنی، رنگش پریده بود. «انحسر الدم عنه» یعنی، خون توی صورتش نبود که این دو جمله در یک جمله خلاصه و با جمله «رنگش مثل گچ سفید شده بود» که در زبان مقصد رایج‌تر است، برگردان شد.

- «... وصولاً إلى الاستحواذ على ثروته الطائلة و عقاراته التي لا تعد و لا تحصى...»؛ دو فعل لا تعد و لا تحصى در یک کلمه خلاصه شد: «هدف او تصاحب ثروت فراوان و املاک بی‌شمار بدر بود».

۳-۲-۴. شکستن جملات بلند و پیچیده

ساختار هر زبانی از روحيات و نگرش آن ملت نشأت می‌گیرد؛ زبان عربی بیشتر به جملات پیچیده متمایل است، اما زبان فارسی جملات طولانی و فاصله زیاد بین نهاد و فعل را نمی‌پسندد؛ در چنین حالتی باید جملات طولانی را شکست و به تبع آن به جای یک فعل از چند فعل استفاده کرد. (زرکوب، ۱۳۹۲، ص ۴۶) از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

«كأنى بالجميع يعيشون حياتهم الطبيعية التي وفرها لهم قريهم من المنطقة الخضراء حيث يسود الأمن والسلام...؛ انگار همه زندگی طبیعی‌شان را می‌کنند؛ زندگی‌ای که نزدیکی آنها به منطقه سبز که صلح و امنیت در آنجا حاکم بود، رونق بیشتری به آن بخشیده بود». (الركابي، ۲۰۱۳، ص ۱۰)

در این عبارت جمله طولانی که التی آن را به هم متصل می‌سازد به دو جمله مستقل و ساده تبدیل شد.

- «تري تحت أى نجم امست مى الآن؟ سالت نفسى و أنا أدلف خلف مقود السيارة متخذاً طريق العودة إلى البيت متجنباً أن أسلك الطرق الجانبية التي لم تستطع السلطة بسط سيطرتها عليها بعد، مكتفية بنشر وحدات من الحرس الوطنى على امتداد الشوارع الرئيسية بعد مضى الشهر الفوضى التي احتلت خلالها الميشيليات و فرق الموت معظم الشوارع...؛ درحالی که پشت فرمان اتومبیل مسیر برگشت به خانه را رانندگی می‌کردم از خودم پرسیدم: یعنی «می» الآن زیر کدام ستاره شب کرده است؟ از وارد شدن به مسیرهای فرعی خودداری می‌کردم؛ نیروی حاکم بعد از اینکه نتوانسته بود کنترل خیابان‌های فرعی را در دست بگیرد به فرستادن نیروهای گارد ملی در مسیر خیابان‌های اصلی اکتفا کرده بود؛ بعد از گذشتن ماه‌های هرج و مرج و در پی انفجار سامرا شبه نظامیان و گروه‌های مرگ بیشتر خیابان‌ها را به اشغال خود در آورده بودند».

در این عبارت اسم فاعل‌های متخذاً، متجنباً، مكتفية به فعل‌های رانندگی می‌کردم، خودداری می‌کردم و اکتفا کرده بود، تبدیل شد تا هر یک جمله مستقل و کوتاهی را تشکیل دهند. و در ترجمه عبارت «سالت نفسى و أنا أدلف خلف مقود السيارة...» جابه‌جایی صورت گرفته و بر عبارت قبل مقدم شد تا ترجمه روانتری به دست بیاید.

۳-۳. سطح اصطلاحی

اصطلاحات و تعبیرهای موجود در هر زبان از فرهنگ مردم آن سرزمین نشأت می‌گیرد و ترجمه آنها یکی از چالش‌های پیش روی مترجم است؛ زیرا مترجم ابتدا باید مفهوم آن را بفهمد سپس سعی کند معادلی را بیاورد که با بافت متن هم خوانی دارد که به نمونه‌هایی از این تعبیرها و اصطلاحات و ترجمه آنها اشاره می‌شود:

- «لا یحمد عقباه؛ عواقبش پسندیده نیست» (الركابی، ۲۰۱۳، ص ۷)

- ترجمه پیشنهادی برای عبارت فوق عبارتند از: «پیامدهای بدی به دنبال دارد».

- «تحت اجنحه الظلام؛ زیر بال‌های تاریکی»

ترجمه پیشنهادی برای عبارت فوق عبارتند از: «در سایه شب یا در تاریکی شب» که برای خواننده مأنوس‌تر است.

- «عند باب البیت؛ نزد در خانه»

ترجمه پیشنهادی برای عبارت فوق عبارتند از: «دم در خانه»

- «... فی وسعی تزویدك بما تشاء بسعر الطماطه والخیار» (الركابی، ۲۰۱۳، ص ۸). در این عبارت معنای تحت اللفظی «بسعرالطماطه و الخیار» با پول گوجه و خیار است و ترجمه چنین می‌شد: «می‌توانم چیزی را که می‌خواهی (اسلحه) با پول گوجه و خیار برایت تهیه کنم». آنچه از مفهوم جمله به ذهن می‌رسد این است که منظور گوینده از این عبارت ارزان بودن آن چیز است، ولی چنین عبارتی در زبان فارسی برای بیان ارزانی کاربرد ندارد، بنابراین به جای ترجمه خود عبارت مفهوم آن آورده شد: «می‌توانم چیزی را که می‌خواهی (اسلحه) با قیمت ارزان برایت تهیه کنم».

- «ما وسعتنی الحیله»؛ اسم موصول نباید به صورت تحت اللفظی ترجمه شود بلکه باید معادل مناسبی در زبان مقصد برای آن پیدا کرد در غیر این صورت ترجمه‌ای روان نخواهیم داشت. ترجمه عبارت قبل از تغییر عبارتند از: «آنچه از ترفند در اختیار داشتیم». ترجمه عبارت بعد از تغییر عبارتند از: «با هر ترفندی که بود».

- «و عاد یذکرنی بأعمال السلب و النهب الجاریة علی قدم و ساق» ((الركابی، ۲۰۱۳، ص ۸)؛ با اولین نگاه در این عبارت درمی‌یابیم که دو واژه قدم و ساق به معنای پا است که ربطی به موضوع و فضای ترجمه ندارد. پس احتمالاً این عبارت یک اصطلاح است و لغت‌نامه‌ها نمی‌تواند در این

باره کمکی به مترجم کند. بنابراین، باید کاربرد عبارت بررسی شود. با جستجوی انجام شده مشخص شد که عباراتی همچون با تمام قدرت، بیشتر، شدید و سخت برای آن به کار می‌رود که در نهایت با عبارت «بیشتر» معادل‌سازی شد: «و به من یادآوری کرد زمانی که قدرت کنترل مردم وجود ندارد، غارت و دزدی بیشتر می‌شود».

- «اصم السمع عن هدير السمities الامريكية» (الركابی، ۲۰۱۳، ص ۸)؛ اصم السمع به معنای کر شوم و گوش ندهم است، ولی برای زیبایی و روانی بیشتر جمله به جای آن فعل توجهی نکنم، جایگزین شد: «به صدای غرش بالگردهای آمریکایی توجهی نکنم».

- «تسابق بعضها بعضا»؛ اگر بخواهیم «بعضها بعضا» به صورت تحت اللفظی ترجمه شود با عبارت نامأنوس بعضی از بعضی روبه‌رو می‌شویم در حالی که این عبارت در فارسی معادل زیبایی دارد: «از یکدیگر سبقت می‌گرفتند».

- «فتره اعتكافى الطويل فى البيت» (ص ۹)؛ اعتكاف فى البيت «اقامت در منزل» است که در زبان مقصد واژه مناسب خانه‌نشینی برای آن وجود داشت.

- «لن يغامر هذا الرجل بمساعدةى ابدأ» (الركابی، ۲۰۱۳، ص ۱۱)؛ فعل غامر يغامر به معنای دل به دریا زدن و به خطر انداختن است که با سیاق هم‌خوانی نداشت در نتیجه از عبارت «به دردسر انداختن» استفاده و به این صورت ترجمه شد: «اون مرد هیچ‌وقت خودش رو به خاطر من به دردسر نمی‌ندازه».

- اصطلاح «تبييض صفحته» بیشتر در متون سیاسی برای کسی به کار می‌رود که مشغول لا پوشانی و مخفی کردن سوء سابقه خود است و به صورت تحت اللفظی به معنای سفید کردن یا پاک کردن پرونده ترجمه می‌شود که برای یافتن عبارت مناسبی در زبان فارسی جستجوی زیادی صورت گرفت تا در نهایت با عبارت «چهره موجهی از خودش بسازد» معادل‌سازی شد.

- «لوت فمها الراجف» (الركابی، ۲۰۱۳، ص ۱۲)؛ این اصطلاح نیز از جمله عباراتی بود که جستجوی زیادی برای معادل‌سازی آن در زبان فارسی صورت گرفت. فعل لوت از لوی یلوی به معنای پیچیدن و جمع کردن و الراجف به معنای لرزان که ترجمه به این صورت می‌شد: «دهان لرزانش را جمع کرد» که با توجه به زبان مقصد، ترجمه روان و شیوایی نبود. در نهایت با عبارت «لبه‌ایش را برچید» که در لغت‌نامه دهخدا به «تشنج و حالتی از انقباض که لبها پیش از گریستن پیدا می‌کنند» گفته می‌شود، معادل‌سازی شد.

- «ينتظرنى على احر من الجمر» (الركابى، ۲۰۱۳، ص ۱۷)؛ احر من الجمر با مراجعه به لغت‌نامه با عبارت «داغ‌تر از آتش» روبه‌رو می‌شویم که در زبان فارسی اصطلاحی غریب است، اما همنشینی آن با واژه انتظار و سیاق ما را به اصطلاح رایج «با آغوش باز» رهنمون می‌سازد: «با آغوش باز منتظرم است».

- «مضى يزين لى الامر زاعما؛ رفت تا کار را برای من زینت کند». با توجه به اینکه چنین عبارتی در زبان فارسی کاربرد ندارد با جایگزینی عبارت «به ترغیب من پرداخت» به رساندن مفهوم بسنده شد.

- «يضج بحشد من عجائز و عوانس فاتهن قطار الزواج» (الركابى، ۲۰۱۳، ص ۶۶)؛ «عوانس فاتهن قطار الزواج» یعنی، دوشیزه‌هایی که قطار ازدواج آنها را جا گذاشته است که چنین تعبیری در زبان فارسی استعمال نمی‌شود در فارسی عبارتی مانند دخترانی که سن ازدواجشان گذشته است به کار می‌رود: «گروهی از پیرزن‌ها و دخترانی که وقت ازدواجشون گذشته او را اذیت می‌کنند».

- «ألا ترى الشيخ مولانا واقفاً لنا بالمرصاد وفقة ملك الموت بعباد الله؛ نمی‌بینی شیخ مولانا مثل عزرائیل سر راه بنده‌های خدا در کمین ما ایستاده؟». اصطلاح «وقفه ملك الموت بعباد الله» معادل رایجی در زبان مقصد دارد که برای ترجمه‌های مقصدگرا بهتر است از آن استفاده شود و آن معادل اجل معلق است: «نمی‌بینی شیخ مولانا مثل اجل معلق سر راهمون سبز شده».

- «اهلاً مولانا... اهلاً، قدمت اهلاً و وطأت سهلاً» معنای تحت‌اللفظی این تعارفات آشنا که عربها به هنگام خوش‌آمدگویی به مهمان می‌گویند «تو بر اهل و اقربای خود وارد شدی و زمین را نرم سیر کردی» است که در فارسی جایگزین بسیار رایجی دارد: «خوش آمدی... صفا آوردی».

- «أخشى أن الخرف قد دب إلى رأسك فأصبحت تهذى بكل ما يخطرلك على بال!»؛ تعبیر «الخرف قد دب إلى رأسك» یعنی، پیری به مغرت رسیده. چنین عبارتی برای مخاطب فارس زبان نامأنوس است و در میان آنان کاربرد ندارد، بنابراین با عبارتی که در زبان مقصد برای بیان این معنا معمول است، معادل سازی شد: «... می‌ترسم عقلت رو از دست داده باشی». همچنین معنای واژه به واژه عبارت «تهذى بكل ما يخطرلك على بال» «با هر چیزی که به ذهنت می‌رسد هذیان می‌گویی» است که این هم در زبان مقصد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه به جای آن از عبارات «داری هذیان می‌گویی» و «داری پرت و پلا می‌گویی» استفاده می‌شود.

- «علی حین غرة» عبارتی بود که با جستجوی لغت‌نامه‌ها معنایی که با متن سازگار باشد یافت نشد و با جستجوی این اصطلاح در قسمت ترجمه سیاقی سایت المعانی مشاهده شد که این عبارت به معنای «ناگهان» است.

- «تری تحت آی نجم امست می الآن؟» جمله «تری» و «با تری» در زبان عربی یک اصطلاح و به معنای «راستی»، «شگفتا»، «نظرت چیست» و... است، ولی معنای رایج‌تر آن در فارسی یعنی، است که به صورت پرسش بیان می‌شود: «الآن زیر کدام ستاره شب کرده است؟».

- «أبادر بالسؤال عنهما» (ص ۷۱). ترجمه آن قبل از تغییر عبارتند از: «درباره آنها (پسرانم) سؤال کنم» و ترجمه روان آن «سراغ آنها را بگیرم» است.

- «بقیت تدوی فی ذهنی یایقاع یبذر بالخطر»؛ «دوی و یدوی» به معنای شنیده شدن است و ایقاع به معنای صوت؛ معنای این عبارت این است: «در ذهنم صدایی که بیم خطر می‌داد، شنیده می‌شد». از کنار هم قرار گرفتن صدا و خطر بلافاصله اصطلاح زنگ خطر به ذهن می‌رسد و جمله به این صورت برگردان می‌شود: «زنگ خطر در ذهنم به صدا در آمد».

۴. سطح گفتمان و بافت فرهنگی

برخی واژگان بار معنایی خاص و مرتبط با فرهنگ یک کشور دارد و تنها مختص همان فرهنگ یا کشور است که ترجمه آنها همواره چالش برانگیز بوده است؛ در ترجمه این موارد مترجم باید شناخت عمیق تری نسبت به زبان مبدأ داشته باشد تا بتواند به جنبه‌های پنهان متن راه پیدا کند. در قسمتی از رمان با این عبارت روبرو می‌شویم:

- «...و إلى الجانب الآخر يمتد «مقصف» حافل بأصناف المشروبات التي سبق لي و أن تفقدتها عشرات مرات من «ويسكي السكوتش» الأستلندی و «الويسكي البوربون» الأمريكي، إلى «الكونياك» الفرنسية المقطرة من العنب و المعتقة في براميل الخشب، و «الجن» الهولندی، و «التیکیلا» المكسيكية، و «ساکي» الرز الياباني و «شامبانيا» العنب الفرنسية، فضلاً عن أصناف النبيذ و الجعة و العرق العراقي العتيق؛ در طرف دیگر در ادامه غذاخوری پر بود از انواع نوشیدنی که تا به حال ده‌ها بار دنبالش گشته بودم. از ویسکی اسکاتلندی و ویسکی بوربون آمریکایی گرفته تا کونیاک فرانسه. از آب انگور تقطیر شده و شراب کهنه در بطری‌های چوب و جین هلندی و تکیلا مکزیکی و ساکی برنج ژاپنی و شامپاین انگور فرانسوی علاوه بر آن شراب، آبجو و عرق آماده عراقی».

همانطور که مشاهده می‌شود در این بند نویسنده اسامی انواع مشروبات الکلی خارجی و عراقی را نام برده است که با فرهنگ ایرانی – اسلامی در تضاد است و از طرفی اگر آنها را حذف کنیم بر خلاف امانتداری در ترجمه است. علاوه بر اینکه در ادامه با مطالبی روبه‌رو می‌شویم که به این بند بر می‌گردد و حذف این قسمت حذف‌های بعدی را نیز به دنبال دارد؛ مانند توصیف مستی ناشی از مصرف این مشروبات. بنابراین، می‌توان به آوردن عبارت «انواع مشروبات الکلی» بسنده کرد و از ذکر نام یک یک آنها خودداری نمود.

- «المعروف أن البغداد أمست دون أسوار منذ أواخر القرن التاسع عشر؛ فقد أمر الوالی العثماني نامق پاشا بهدمها بعدما ألغى اختراع المدافع مسوَّغ وجودها، حتى إذا ما خلفه مدحت باشا عمد إال استثمار لبنات تلك الأسوار فى بناء القشلة؛ ميگن بغداد از اواخر قرن هفدهم بدون دیواره؛ حاکم عثمانی، نامق پاشا، بعد از اینکه توپ اختراع شد مجوز وجودش رو لغو کرد و فرمان داد که دیوارها رو خراب کنند. تا اینکه جانشین او مدحت پاشا از آجرهای این دیوارها در ساختن برج القشله استفاده کرد.

در این بند با اسامی حاکمان و بناهایی روبه‌رو می‌شویم که هیچ شناخت و ذهنیت قبلی نسبت به آنها نداشتیم؛ همچنین واژه اسواره دو معنا بود یکی دیوار و یکی دستبند! اما در اینجا به معنای دیوارهای بلندی است که در گذشته در اطراف شهرها برای جلوگیری از نفوذ دشمن کشیده می‌شد در این جا اشاره به واقعه‌ای تاریخی دارد و تا درباره این واقعه مطالعه نکنیم متوجه منظور نویسنده نخواهیم شد؛ کسب اطلاعات درباره وقایع تاریخی کمک زیادی به ترجمه می‌کند.

جدول ۱: لغتنامه

معنا	لغت	معنا	لغت
تکیه کلام	لازمة تقليدية	کوزه، خمره	جرار
با تمام قدرت	على قدم وساق	مرموزانه	متأمرة
تفنگداران دریایی	رجال المارينز	سازگاری	تأقلم
رقاص	كاولية	بالگرد	سمتیات

حفلة ماجنة	پارتی	تحامل علی	بدرفتاری کردن
تبیيض صفحة	لا پوشانی، ظاهر سازی	مولد	ژنراتور
علی حین غرة	ناگهان	حرس الوطنی	گارد ملی
کراج	گاراژ، پارکینگ	تجلید	صحافی
مکتب الاستنساخ	چاپخانه	شحطات	دست‌اندازها
احر من الجمر	با آغوش باز	عربة خاصة بالمعاقین	ویلچر
عرضالجی	عریضه‌نویس	نارجیلة	قلیان
جایجی	چاپخانه	تهریج	متلک انداختن
تری- یاتری	یعنی...؟	منشورات سرية	کتابهای ممنوعه
وثيقة الاتهام	مدرك جرم	مقاضات قانونية	پیگرد قانونی
تزیین	آرایش، بزک	نوط	مدال
بین فینة و أخرى	گهگاه، هراز گاه		

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به‌منظور بررسی چالش‌های ترجمه در چهار سطح لغوی، نحوی، اصطلاحی و گفتمانی در ترجمه رمان لیل علی بابا الحزین صورت گرفت و راهکارهایی را برای برون‌رفت از این مشکلات ارائه داد:

- در سطح لغوی چالش‌هایی چون وجود معنای ثانوی برای برخی از فعل‌ها، نبودن معنای برخی از واژه‌ها در لغتنامه یا ارائه معانی غیر مرتبط توسط آنها، وجود کلمات مرکبی که هیچ ارتباطی با معنای کلمات سازنده خود نداشتند بلکه معنای جدیدی را ساخته بودند، وجود داشت که مترجم را به دردسر می‌انداخت.

- در سطح نحوی با مشکلاتی همچون وجود جملات پیچیده و طولانی و عدم امکان انتقال کامل ساختار متن مبدأ به مقصد روبرو شدیم که با شکستن جملات طولانی و تبدیل آن به جملات کوتاه، حذف و اضافه، تغییر شکل دستور زبان متن مبدأ، تقدیم و تأخیر و... سعی در تعدیل آنها کردیم.

- در سطح اصطلاحی مشکلاتی نظیر عدم آشنایی با تعابیر، جدید بودن برخی از اصطلاحات و نبودن منبع مناسب برای مراجعه وجود داشت، به طوری که تنها از روی سیاق و روابط همنشینی بین کلمات و جملات قبل و بعد می‌شد معنای اصطلاح را فهمید و معادل‌یابی کرد، همچنین وجود عبارات ترجمه‌ناپذیری که در زبان فارسی معادلی نداشتند از دشواری‌های دیگر ترجمه این رمان بود که به ناچار به رساندن مفهوم آنها بسنده شد.

- در سطح گفتمانی هم با مشکلاتی روبرو بودیم: تفاوت‌های فرهنگی و آداب و رسوم بین دو زبان، وجود برخی محدودیت‌ها و ملاحظات در زبان مقصد برای انتقال کامل فرهنگ زبان مبدأ به گونه‌ای که مجبور شدیم در برخی موارد فقط به صورت سربسته اشاره‌ای کنیم و یا در مواردی نیز مجبور به حذف آن شدیم و نیز وجود اسامی مکان‌ها، ابزار آلات، اسطوره‌ها و داستان‌های افسانه‌ای که فقط مختص همان فضا بود، از جمله دردسرهای ترجمه این رمان بودند که برای ترجمه آنها باید مطالعات و جستجوی بیشتری صورت می‌گرفت.
در آخر پیشنهاد می‌شود این اثر فاخر به صورت کامل ترجمه شود.

فهرست منابع

۱. الرکابی، عبدالخالد (۲۰۱۳). لیل علی باب الحزین. بغداد: دار و مکتبه عدنان.
۲. زرکوب، منصوره، و صدیقی، عاطفه (۱۳۹۲). تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راهکارها با تکیه بر ترجمه کتاب الترجمة وأدواتها. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۸ (۳)، ۴۳-۳۵.
۳. ملابری، یدالله (۱۳۹۳). چالش‌های مترجم؛ نمونه پژوهی ترجمه یک متن سیاسی-رسانه‌ای. فصلنامه جستارهای زبانی، ۱ (۵)، ۲۷۰-۲۴۹.
۴. گنجیان خناری، علی (۱۳۹۷). واکاوی چالش‌های ترجمه‌ی ادبی: بررسی تحلیلی نوع متن، اجزای متن و چالش خواننده. دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۸ (۸)، ۹۵-۱۱۴.
۵. داوی یوسف، عباس (۲۰۱۹). بررسی تحلیلی زاویه‌ی دید در رمانهای پارسی پورو الرکابی با تکیه بر رمان سگ و زمستان بلندو لیل علی بابا الحزین.
۶. غانم، أسامة (۲۰۱۷). تقنیات السرد و تنوع المرویات فی رواية لیل علی بابا الحزین. مجله رفیم، ۱۵ (۱۳).
۷. خلوصی، ناطق (۲۰۱۴). تعدد المحاور السردية و سطوة المكان فی رواية لیل علی بابا الحزین. الف بیه مجله زمان، ۳ (۱۲).

۸. ترکاشوند، فرشید، و قائمی، نجمه (۱۳۹۶). چالش‌های بافت فرهنگی در ترجمه ادبی از فارسی به عربی: با تمرکز به گلستان سعدی و روضة الورد. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۷ (۷)، ۷۹-۹۸.
۹. معروف، یحیی (۱۳۹۲). فن ترجمه اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. مهدی‌پور، فاطمه (۱۳۹۰). ژان رنه لادمیرال؛ فضایی برای رویارویی با مشکلات ترجمه. تهران: خانه کتاب ایران.
۱۱. سعیدان، اسماعیل (۱۳۸۷). اصول و روش کاربردی ترجمه. تهران: رهنما.
۱۲. ناظمیان، رضا (۱۳۹۸). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. منابع اینترنتی عبارتند از: سایت المعانی؛ نرم افزار جامع المعاجم؛ سایت واژه یاب؛ سایت آبان‌دیس.